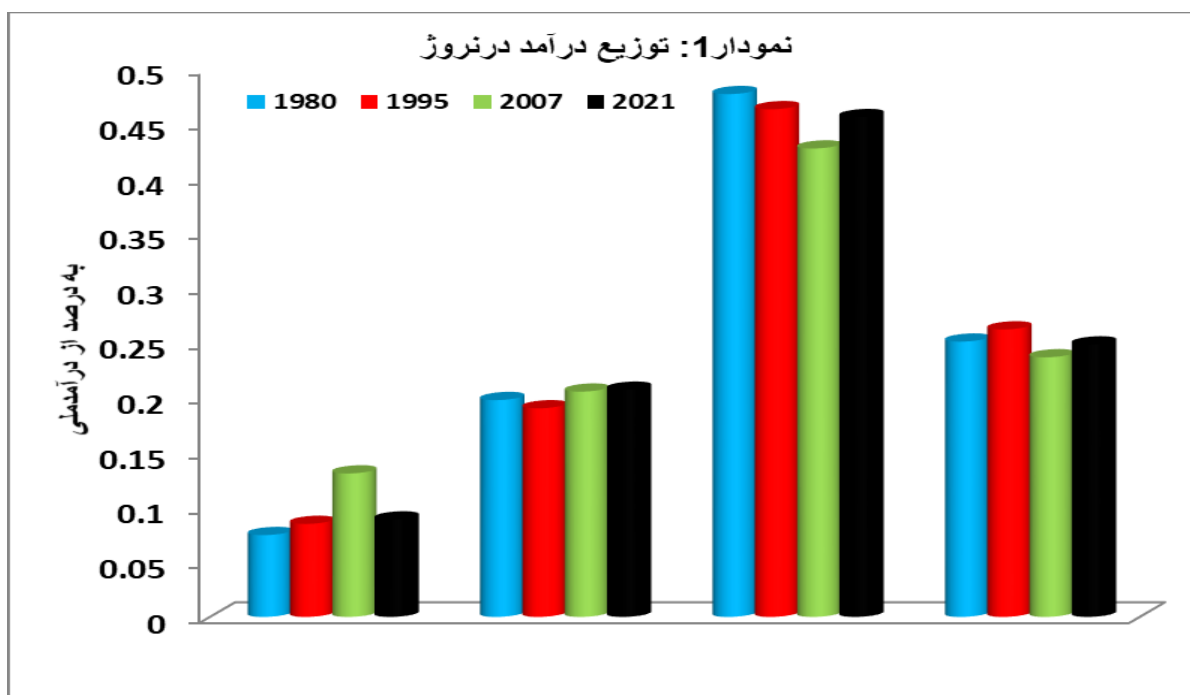


فروdstان و فرادستان درنروژ

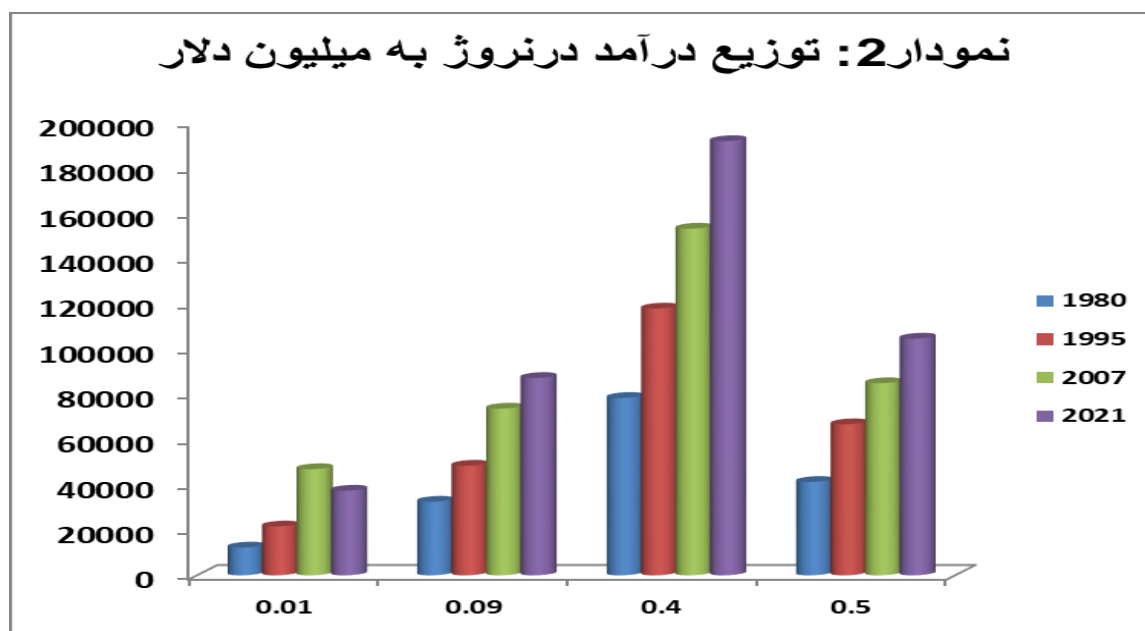
بين اقتصاد نروژ با بسيارى از اقتصادهاى ديگر دراروپا اگر چه مشابهت هاى وجود دارد ولى تفاوت هاى هم هست. چندين دهه است كه درواقع نروژ يك « اقتصاد نفتى» دارد ولى تقريباً هيچ يك از مصيبت هاى معمول اقتصاد نفتى را ندارد. و اگر به آمارهاى سازمان ملل در باره انديس توسعه انسانى بنگريم دراغلب اين سالها نروژ اگر درمقام اول جهان نباشد درميان سه يا ۴ کشور برتر جهان امروزين است. درعين حال همانند ديگر کشورها، ساختار اقتصادى نروژ هم سرمايه دارى است. يعنى اقليتى مالک ابزارهاى هاى توليدى و ثروت بطور کلى هستند و اکثريتى هم با فروش نيروى کار خود روزگار را مى گذرانند. ولى درعين حال، وقتى به آمارها نگاه مى کنيم بسيارى از ناهنجارى هاى ديگر نظام سرمايه دارى يا در نروژ وجود ندارد يا به مقدار به مراتب کمترى از ديگران وجود دارد. دراين يادداشت سعى مى کنم وجوهى از توزيع درآمد در اين کشور « نفتى» را بررسى کنم. همانند ديگر يادداشتهاى كه در باره توزيع درآمد در جوامع مختلف نوشته ام منبع آمارى من بانک جهانى از يك طرف و بانک آمارى « نابرابرى جهانى» از سوى ديگر است. يعنى از منابع بانک جهانى آمارهاى مربوط به جمعيت و اندازه و رشد اقتصادى نروژ را دانلود کرده ام. دوره بررسى هم از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ است.

ابتدا به چند فاكت تاريخى اشاره کنم. جمعيت نروژ دراين ۴۰ سال اندکى بيش از ۳۰% رشد داشته واز اندکى بيش از ۴ ميليون نفر در ۱۹۸۰ به اندکى بيشتر از ۵٫۴ ميليون نفر در سال ۲۰۲۱ رسيده است. ميزان توليد ناخالص داخلى نروژ ولى در طول اين ۴ دهه حدوداً ۳ برابر بزرگترشده و از اندکى بيش از ۱۶۰ ميليارد دلار در ۱۹۸۰ به بيش از ۴۲۰ ميليارد دلار در ۲۰۲۱ افزايش يافت.



پرسش اول این است که درآمد درنروژ چگونه توزیع می شود؟ من خلاصه یافته های مان را در نمودار ۱ ارایه کرده ایم. برخلاف مشاهدات ما از وضعیت در دیگر کشورهای سرمایه داری، در نروژ شاهد تغییرات بسیار گسترده نیستیم. سهم ۹ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر در طول این ۴۰ سال تقریباً ثابت ماند ولی سهم یک درصدی ها از درآمد ملی در سال ۲۰۰۷ به نسبت آن چه در ۱۹۹۵ بود حدوداً ۵٪ بیشتر شد ولی به نظر می رسد سیاست های در پیش گرفته موجب شد که در سال ۲۰۲۱ سهم یک درصدی ها به همان میزانی که در سال ۱۹۹۵ بازگشت. از سوی دیگر وقتی به سهم ۴۰ درصدی های میانه نگاه می کنیم مشاهده می کنیم که سهم شان از درآمد ملی در ۲۰۰۷ در مقایسه با آن چه در ۱۹۹۵ کاهش نشان می دهد ولی در سال ۲۰۲۱ سهم آنها از درآمد ملی هم به آن چه در گذشته بود بسیار نزدیک بود. بطور کلی مشاهده می کنیم که برای کل این ۴ دهه شاهد تغییر بسیار ناچیز در سهم گروه های درآمد هستیم. سهم یک درصدی ها و ۹ درصدی ها یک درصد بیشتر شد و این ۲ درصد از سهم ۴۰ درصدی ها میانه تامین شد چون سهم ۵۰ درصدی های فقیر از درآمد ملی در طول این مدت تغییر نکرد.

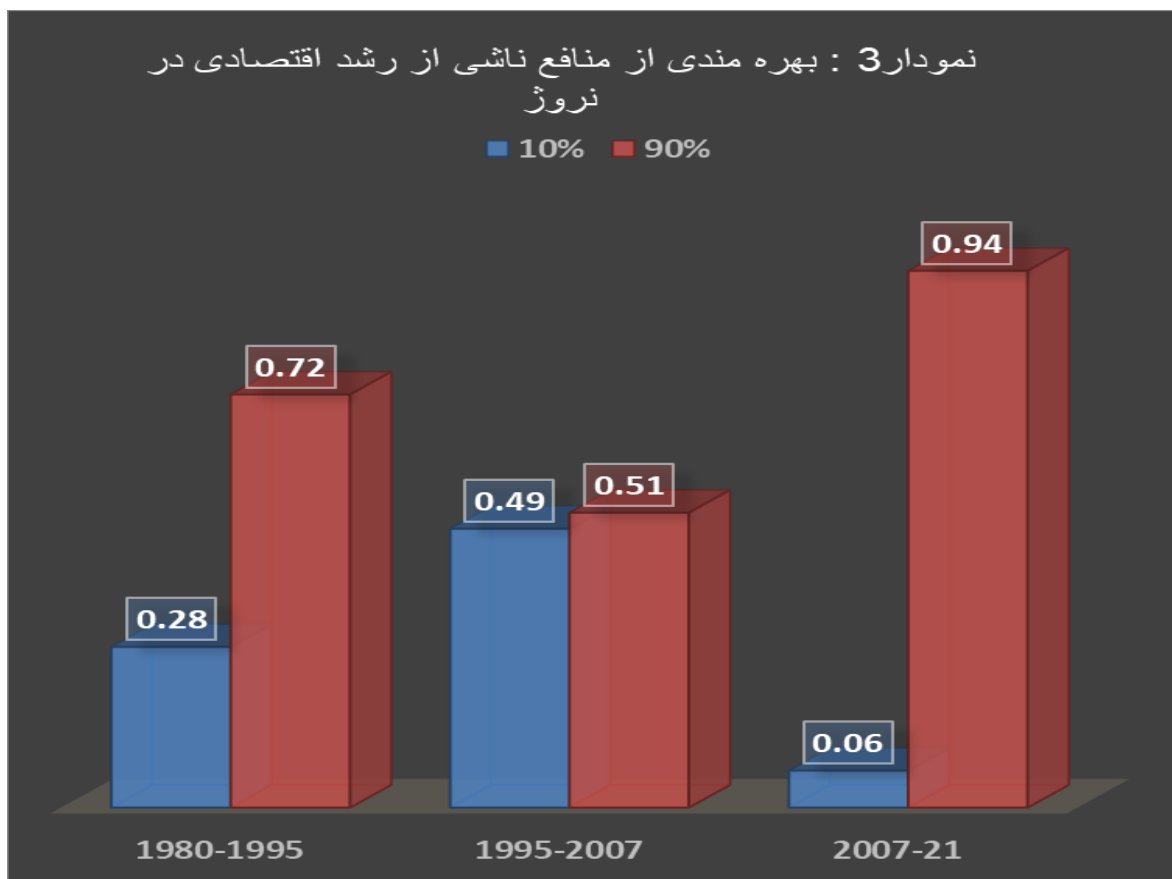
بیشتر اشاره کردم که سهم بری یک درصدی ها که افزایش یافته بود وقتی به ۲۰۲۱ می رسیم به سطح قبل از افزایش خود باز می گردد. ولی میزان بهره مندی گروه های مختلف از تولید ناخالص داخلی کشور اندازه می گیریم مشاهده می کنیم که همراه با رشد اقتصادی کشور که به صورت ارزش بیشتر در می آید بسته به سهم بری گروه های مختلف میزان دلارهای هر گروه هم بیشتر می شود. در نمودار ۲ این یافته ها را به دست می دهم.



نکته قابل ذکر این که اگرچه در ۲۰۲۱ میزان تولید ناخالص داخلی نروژ در مقایسه با آن چه در ۲۰۰۷ بود حدوداً ۷۰ میلیارد دلار بیشتر شده است ولی آن چه که نصیب یک درصدی ها شد

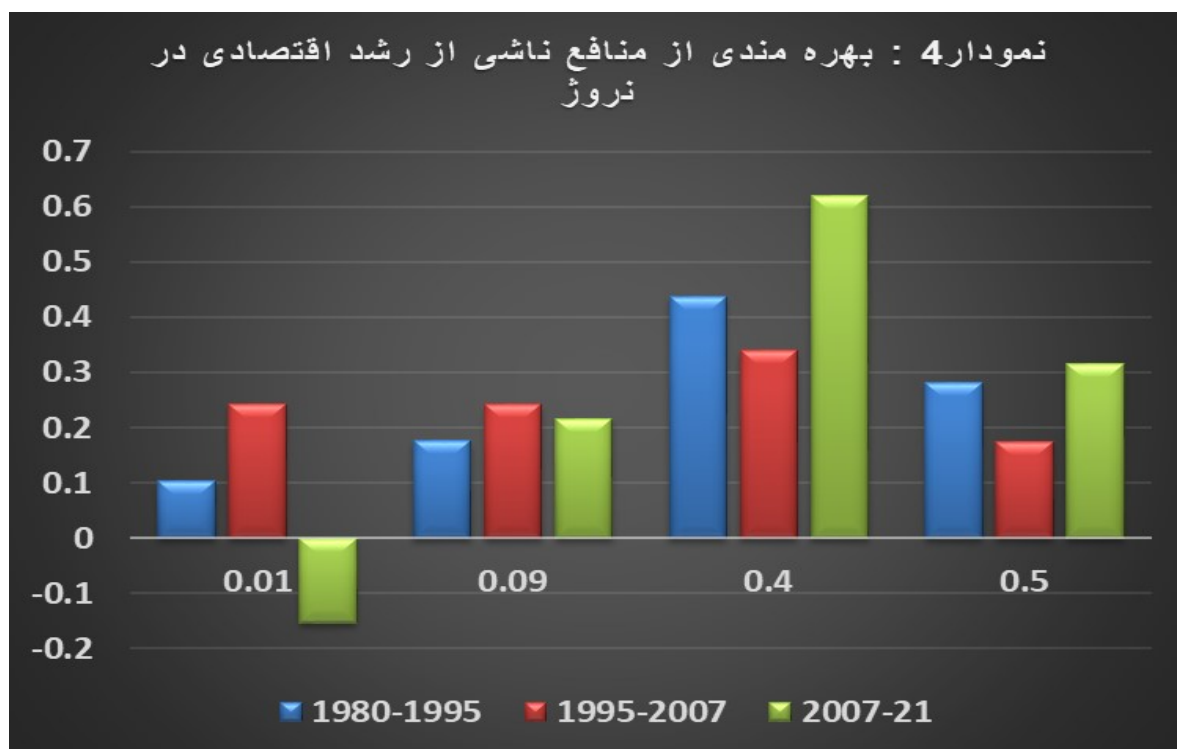
از سهم شان در سال ۲۰۰۷ حدوداً ۹ میلیارد دلار کمتر شد که در نمودار بالا وقتی ستون سبز رنگ را با ستون بنفش برای یک درصدی ها مقایسه می کنیم این میزان کاهش نمودار می شود.

برای این که اندکی از این تحولات سر دریاوریم برای گروه های مختلف نرخ بهره مندی مصاحبه کرده ام. منظورم از نرخ بهره مندی هم این است که وقتی در اثر رشد اقتصادی اندازه اقتصادیک کشور بزرگتر می شود گروه های مختلف درآمدی به چه صورتی از این ارزش اضافی که تولید شده بهره مند می شوند. برای این کار در قدم اول جامعه را به دو گروه، ده درصدی ها و ۹۰ درصد بعدی تقسیم می کنیم و میزان بهره مندی شان از منافع ناشی از رشد اقتصادی را به دست می دهیم و پس آن گاه، گروه های مختلف درآمدی را در نظر می گیریم و می پرسیم در میان ده درصدی ها یک درصدی ها و ۹ درصد بعدی چگونه از این منافع بهره مند شده اند و به همین نحو در میان ۹۰ درصد جمعیت هم وضع بهره مندی ۴۰ درصدی های میانه با ۵۰ درصدی های فقیر چگونه است؟

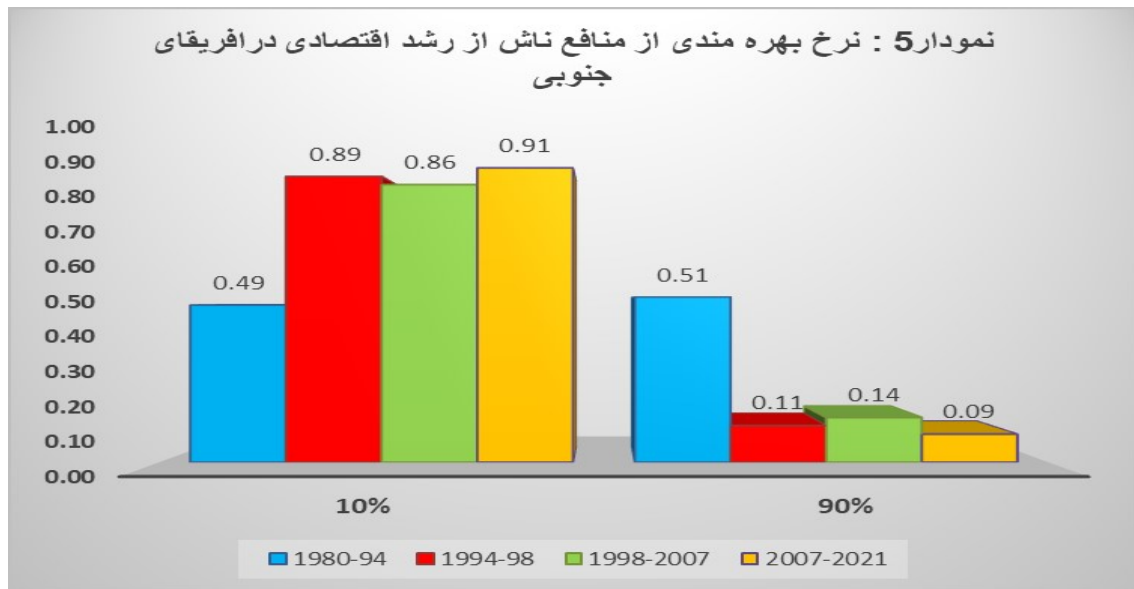


همان طور که در نمودار ۳ مشاهده می کنیم من این ۴۰ سال را به صورت سه دوره مجزا در نظر گرفته ام. تنها در دوره میانی است که سهم بری این دو گروه به هم نزدیک می شود یعنی ۴۹ درصد از منافع ناشی از رشد اقتصادی در سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۷ نصیب ده درصدی ها می شود و آن چه که باقی می ماند، ۵۱٪ هم نصیب ۹۰ درصدی های می شود. ولی

دوره اول، یعنی ۱۹۸۰-۱۹۹۵ و درسالهای پس از بحران مالی جهانی شیوه بهره مند شدن از منافع ناشی از رشد اقتصادی را با آن چه در سالهای بین این دو دوره بود مشاهده می کنیم که تفاوت دارد. درسالهای پس از بحران مالی بزرگ، کاملاً روشن است که سهم بری ده درصدی ها حتی از سهمی که در جمعیت کشورداشتند هم کمتر است و به گمان من، چنین تغییری نشانه آن است که دولت سیاست های مشخصی برای تغییردرشیوه بهره مندی از منافع ناشی از رشد اقتصادی درنظر گرفته و اجرا کرده است که اتفاقاً دررسیدن به هدف موفق هم شده است. و اما اگر از بهره مندی گروه های درآمدی سخن بگویم نکته ام روشن می شود.



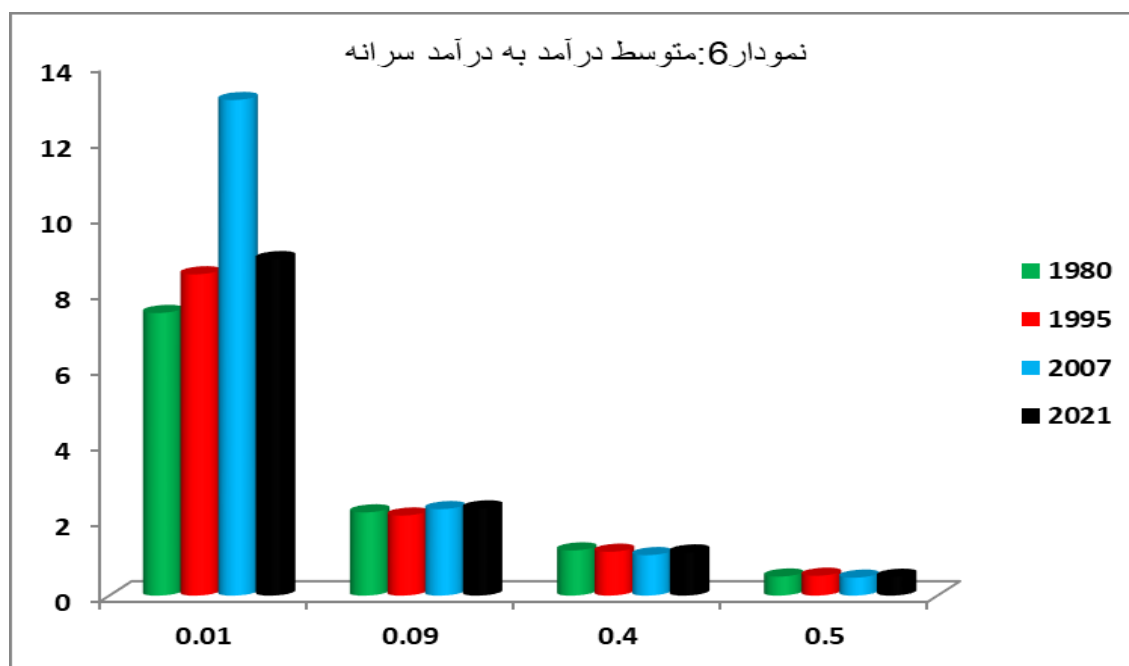
پیشتر هم به اشاره گفته ام اگرچه اقتصاد نروژ در طول ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ رشد کرده بود ولی سهم یک درصدی ها از منافع ناشی از رشد منفی بود به سخن دیگر، نه تنها دلارهای بیشتری نصیب آنها نشد بلکه در مقایسه با سال ۲۰۰۷ سهم بری شان کاهش یافت. برای این که نمونه ای برای درک بهتر وضعیت در نروژ ارائه کنم به عنوان مثال میزان بهره مندی درآفریقای جنوبی در این ۴۰ سال ارائه می دهم.



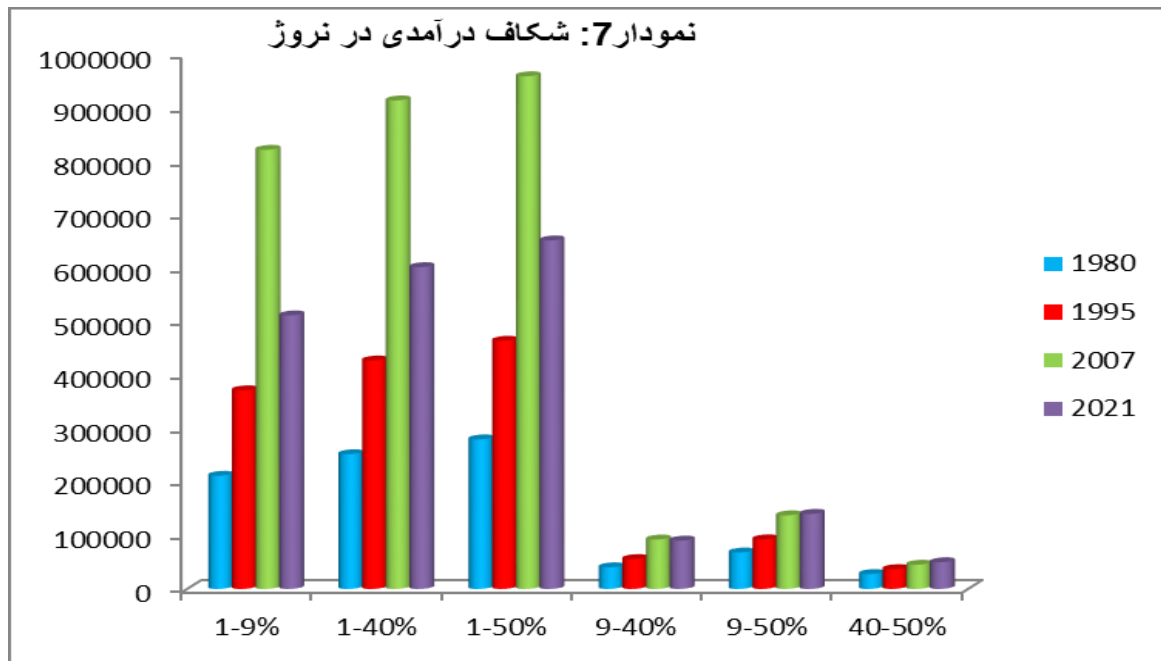
اگرچه در مورد آفریقای جنوبی دوره بندی اندکی متفاوت به کار گرفته ام ولی در این جا هم این تحولات را در همین ۴۰ سال وارسیده ام. تنها در دوره اول، یعنی از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴- یعنی زمان فروپاشی رژیم آپارتاید است که سهم بری این دوگروه حدودا با یک دیگر برابر است ولی پس از آن تا ۲۰۲۱، مشاهده می کنیم که سهم بری ده درصدیها در هر کدام از این مراحل چندین برابر سهم بری ۹۰ درصد جمعیت بود. ناگفته روشن است که پی آمد این نوع بهره مندی از نافع ناشی از رشد اقتصادی گسترش و بیشتر شدن نابرابری درآمدی است که همان گونه در یادداشتی درباره توزیع درآمد در آفریقای جنوبی نوشته ام یکی از نابرابرترین اقتصادهای جهان است.

اگرچه توزیع درآمد در نروژ با آن چه در دیگر کشورها دیده ایم اندکی تفاوت دارد ولی واقعیت این است که ساختار اقتصادی نروژ همانند این کشورها سرمایه داری است. تفاوتی که وجود دارد احتمالاً یکی استفاده بسیار هوشمندانه سیاست پردازان نروژی از درآمدهای نفتی است و ثانیاً، به نظر نمی رسد که دولت در نروژ همانند دولت در دیگر اقتصاد های سرمایه داری به الگوی نئولیبرالی دلبستگی زیادی داشته باشد. اگرچه بی گمان هستند نیروهائی که خواستار اجرای این برنامه ها در نروژ هم هستند ولی به گمان من هنوز در وضعیتی نیستند که بتوانند شرایط را از اساس دگرگون کنند. در نروژ هم همانند دیگر کشورهای سرمایه داری ما یک درصدی ها را داریم ولی تفاوت این است که یک درصدی ها سیاست پردازان را در کنترل خویش ندارند. برای همه گروه های درآمدی من متوسط درآمد را محاسبه کرده و آن را با درآمد سرانه کشور مقایسه کرده ام. در این جا هم همانند دیگر کشورهای سرمایه داریم متوسط درآمد یک درصدی ها به مراتب از درآمد کشور بیشتر است ولی نکته قابل توجه در واقع این است که در نروژ دوشقه بودن اقتصاد قابل رویت است. منظورم این که متوسط درآمد ۵۰ درصدی های ثروتمند جامعه از درآمد سرانه بیشتر است و طبیعتاً نتیجه آن می

شود که متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر از درآمد سرانه کمتر می شود. ابتدا خلاصه ای از این یافته ها را در نمودار بعدی به دست می دهم و بعد در باره چند نکته توضیحات اضافه ارائه خواهم کرد.



متوسط درآمد یک درصدی ها در طول این ۴۰ سال اندکی افزایش می یابد یعنی از ۷ برابر درآمد سرانه به حدودا ۹ برابر افزایش می یابد. افزایش چشمگیر در ۲۰۰۷ با سیاست پردازی بعدی دولت کاهش می یابد همان طور که در نمودار مشاهده می کنیم نسبت درآمدی ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه به درآمد سرانه در این ۴۰ سال تقریباً ثابت می ماند و همین وضعیت در باره ۵۰ درصدی های فقیر هم صادق است. یعنی در کل این دوره متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر حدودا ۵۰٪ درآمد سرانه است ولی نظر به این که نرخ از درآمد سرانه به نسبت بالائی برخوردار است نتیجه این می شود که در ۲۰۲۱ متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر هم حدودا ۳۹۰۰۰ دلار در سال است که اگرچه با متوسط درآمد ولی با بیش از ۱۰۰ درآمد روزانه، رقم قابل توجهی است. در نرخ هم همانند دیگر کشورهای سرمایه داری شاهد شکاف درآمدی بین گروه های مختلف هستیم که این شکاف ها در طول این ۴۰ سال هم بیشتر شده است. در نمودار ۷ این بیشتر شدن شکاف درآمدی را نشان می دهیم.



آن چه در این نمودار قابل توجه است تغییر سیاست ها در نروژ پس از بحران مالی جهانی است که موجب شد تا در ۲۰۲۱ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و دیگر گروه های به مقدار قابل توجهی کاهش یابد. در حالی که میزان شکاف در سال ۲۰۰۷ به شدت افزایش یافته بود ولی در سال ۲۰۲۱ شاهد کاهش چشمگیر آن هستیم. طرفه این که دیگر شکاف های درآمدی در طول این سالها روند فزاینده داشته و افزایش یافته است. در جمع بندی آن چه در این یادداشت آورده ایم گفتن دارد که در نروژ از سوی الگوی اقتصادی سرمایه داری را داریم که با یک سری پی آمد مشخص های توزیعی همراه است- به عنوان مثال در نروژ هم مصیبت یک درصدی ها را داریم- ولی در عین حال، هم استفاده هوشمندانه از درآمدهای نفتی و هم سیاست پردازی مفید موجب شده است که شاهد نابرابری افسارگسیخته در نروژ نباشیم. شاهد نابرابری و حتی بیشتر شدن آن هستیم ولی با آن چه در جوامعی که به الگوی نئولیبرالی اقتصاد دل بسته اندروبرو هستیم وضعیت نروژ فرق می کند و باید این نکات افتراق را دید و قدرشناخت.